

نشریه ادب و زبان  
دانشکده ادبیات و علوم انسانی  
دانشگاه شهید باهنر کرمان

دوره جدید، شماره ۳۰ (پیاپی ۲۷) زمستان ۹۰

## مرام « طوفان »

(تحلیل و بررسی مختصات و امتیازات روزنامه نگاری فرخی

یزدی)\*

(علمی - پژوهشی)

دکتر محمود صادق زاده

استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد یزد

### چکیده

ابعاد زندگی سراسر مبارزه فرخی یزدی (۱۳۱۸-۱۳۶۷ ش.)، به غیر از اشعار سیاسی، با مبارزات سازش ناپذیر قلمی آمیخته است اما به دلیل شهرت بسیار وی در غزلیات و رباعیات سیاسی، چندان به جنبه روزنامه نگاری و مقاله نویسی وی پرداخته نشده است. در این مقاله کوشش می شود که به توصیف دوره ها و ویژگی های روزنامه-نگاری فرخی و بررسی مختصات و امتیازات «طوفان» پرداخته شود. فرخی یزدی برای همراهی با جنبش آزادی خواهی، روزنامه انتقادی طوفان را به سال ۱۳۰۱ ش.، تأسیس و نخستین شماره آن را در دوم شهریور همان سال منتشر نمود. طوفان به رغم استبداد و خفقان سنگین دوره رضاشاهی، به مدت هشت سال «ثابت قدم» منتشر شد.

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۸۷/۲/۲۹

\* تاریخ ارسال مقاله: ۸۶/۶/۱۹

ایمیل: msz\_41@yahoo.com

دوران مبارزات قلمی فرّخی با طوفان به دو دوره اصلی تقسیم می شود: دوره یکم از بدو تأسیس طوفان تا توقیف آن به علت نشر مقاله «امنیت چیست؟»؛ دوره دوم از زمان انتشار مجدد آن در تاریخ ۱۳۰۵/۶/۶ تا پایان مصوئیت سیاسی فرّخی در مجلس هفتم (بهمن ۱۳۰۷). اما اصلی ترین دوران انتشار طوفان، دوره یکم بود که نیش کلک طوفان با شدت و حدت هر چه بیشتر، زورمداران، بیدادگران، زرپرستان و قانون گریزان را آماج انتقاد بی پروای خود قرار می داد. اما در دوره دوم به دلایلی مجبور شد، شیوه ای محتاطانه پیش گیرد به طوری که نسبت سطوح انتقادات علیه رأس هرم قدرت، در این دوره دوم کاهش یافت. با این حال، طوفان به غیر از سبک انتقادی و شیوه آزادی خواهی و عدالت طلبی، از امتیازاتی چون عزم قطعی و دوراندیشی، حق گویی، بی تعلقی، واقع بینی و ریشه ایی مسایل، استفاده از شعر برای سبک روزنامه نگاری و... برخوردار بود که در ادامه، بحث و بررسی شده است.

کلید واژه ها: روزنامه نگاری فرّخی یزدی، طوفان، انتقادات، توقیف ها، مختصات، تحلیل، ابداعات و امتیازات.

#### مقدمه

روزنامه ها به لحاظ گستردگی و تأثیرگذاری عمومی و سادگی نشر فارسی و بازتاب آرمان های آزادی خواهی، به عنوان مهم ترین رکن انقلاب مشروطیت به شمار می روند (ذاکر حسین، ۱۳۷۰: ۵۴-۵۵)؛ از این رو، با باز خوانی، تحلیل محتوایی و بررسی ویژگی های آنها می توان بسیاری از زوایای ناگشوده و پیچیده آن دوره را روشن تر کرد. بیشتر این روزنامه ها، سیاسی، اجتماعی و بعضی هم علمی و ادبی بود و شاعران و نویسندگان توانایی، چون دهخدا، عشقی، نسیم شمال و...، با توجه به اوضاع سیاسی و اجتماعی زمان، کوشیدند از پیوند سیاست و ادب و قلم، به ویژه روزنامه نگاری و مقاله نویسی و شعر روزنامه ای بهره ها بجویند. (محیط طباطبایی، ۱۳۶۶: ۲۵۰-۲۵۹) نویسندگان و شاعرانی نیز در این دوره، در راه آرمان های والای خود جان باختند که از مشهورترین

آنان، « خداوند طوفان»، فرّخی یزدی، شاعر روزنامه نگار و یا روزنامه نگار شاعر بود. وی برای تحقّق آرمان‌ها و عقاید سیاسی و مسلکی خود، با سلاح قلم و سخن، بی‌باکانه چون صاعقه‌ای، با مستبدان و استعمارگران در افتاد و سرانجام، فرهادوار جان بر سر آرمان شیرین نهاد. مبارزه سیاسی فرّخی یزدی از دوره‌های جوانی آغاز شد؛ از حدود پانزده سالگی که به دلیل سرودن شعری علیه سیاست‌های استعماری «میسوئرهای انگلیسی»، از مدرسه «مُرسِلین» اخراج شد. (مگی، ۱۳۶۹: ۱۳) بعد از آن، پدرش را از دست داد؛ سپس، لبانش به جرم حق‌گویی دوخته شد و سال‌ها، طعم تلخ محرومیت و مشقّت را چشید؛ از این رو، آتش ستم‌ستیزی و ضد بهره‌کشی را در درونش شعله‌ورتر و بذری آزادی خواهی و عدالت‌طلبی را در جانش باروتر دید.

در سال ۱۲۹۰ ش.، در جستجوی فضای بازتر برای فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی و یا برای فرار از دست مستبدان یزدی، به تهران سفر کرد\* (محمّدی و مسرت، ۱۳۷۶: ۲۴۵) و با جراید پایتخت به طور جدّی همکاری نمود و اشعار مؤثّری درباره آزادی سرود که بسیار مورد توجه آزادی خواهان قرار گرفت؛ بنابراین، فعالیت‌های جدّی روزنامه نگاری وی از این سال آغاز شد. (صادق زاده، ۱۳۸۴: ۶۸)

پس از آغاز جنگ جهانی اول، فرّخی در سال ۱۲۹۴ ش.، به همراه آزادی خواهان به قم مهاجرت کرد و کمیته دفاع ملی را تشکیل داد اما با هجوم گسترده متفقین به خاک ایران، به تصرّفات عثمانی‌ها، به ویژه عراق روی آورد. وی بعد از هجرت‌ها و آوارگی‌ها و مصائب و مسایل جنگ و در به دری‌های بسیار، از جمله فرار از دست مأموران انگلیسی، پس از پایان جنگ جهانی به ایران آمد و به تهران بازگشت اما جز تبعات زیانبار جنگ، رقابت‌های دو استعمارگر انگلیسی و روسی، اختلافات حزبی و از دست رفتن دستاوردهای مشروطیت، چیزی ندید و حتّی از یاران دموکرات خود نیز امیدی در دل نداشت. در آن اوضاع و احوال، پیروزی انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ م. روسیه، امیدی تازه‌ای در دل فرّخی و دیگر آزادی خواهان زنده کرد. (ج. جوان، ۱۳۷۳: ۱۶۵-۱۶۶)

\* روح را مسموم سازد این هوای مرگ بار / زندگانی گر بود، زین خطّه بیرون می شویم  
طوفان، س ۲، ش ۱۵ (۱۳۰۱/۷/۱۶)، (دیوان:

فرّخی با زیرکی و درک بالای سیاسی، با قرارداد ننگین ۱۲۹۸ ش. انگلیسی ها علیه ایران و سپس، کودتای سوم اسفند سیدضیا و رضا خان (با طراحی انگلستان) مخالفت کرد و دستگیر و زندانی شد. (همان: ۱۶۸-۱۶۹) پس از آزادی از زندان، روزنامه طوفان را به صاحب امتیازی خود و مدیر مسئولی «موسوی زاده»، در سال ۱۳۰۰ ش. تأسیس کرد. (تاریخ جراید و مجلات ایران، ج ۱۳۶۳، ۳: ۱۷۰) فرّخی از این پس به همراه طوفان، با هر فراز و نشیب طوفانی، در گذر و علیه هر نوع ستم و خفقان و نابرابری، حاضر و رسواکننده وطن فروشان، خیانت کاران، قانون گریزان، و ناظر کابینه های سیاه زورمداران و سقوط و ظهور دولت ها و انعکاس دهنده حرکت ها و بیانگر صورت جلسات و مصوبات مجلس ها و ... بود. در این مرحله از مبارزات قلمی فرّخی، ماجرای رو به روی بی پروا و شجاعانه فرّخی با رضاخان و ایادیش بسیار شگفت انگیز است که نهایتاً به شهادت وی در زندان استبدادی انجامید.

سرمقالات طوفان - که اغلب فرّخی، خود آن را می نوشت و یک رباعی و غزلی هم مناسب با موضوع می سرود و در بالای آن درج می کرد - به جز انعکاس واقعیت های اجتماعی و سیاسی آن زمان، نشانگر سبک انتقادی، شیوه نثر نویسی، ویژگی های مبارزات قلمی و جهت گیری سیاسی، فکری و مسلکی وی هم بود؛ از این رو، امتیازات روزنامه نگاری فرّخی، هم از لحاظ سیاسی و هم از لحاظ ادبی، اهمیت دارد و بی شک توصیف، تحلیل و بررسی علمی و عینی آنها، بسیار ضروری است اما چون فرّخی را بیشتر به عنوان شاعری آزادی خواه می شناسند تا روزنامه نگار و مقاله نویس، به جز به ندرت به شیوه های روزنامه نگاری و نثر نویسی وی پرداخته نشده است.

بیشتر تحقیقات و تألیفات مربوط به فرّخی نیز در زمینه انتشار دیوان، گزیده اشعار، شرح احوال و تحلیل و بررسی آرمان و اندیشه های سیاسی و مسلکی وی پدید آمده است اما درباره دوران مبارزات قلمی فرّخی، معرفی کامل طوفان و تحلیل و بررسی ویژگی ها و مندرجات آن به صورت مستقل و عینی و علمی، اثری پدید نیامده جز تحقیقات و مطالب کوتاه و پراکنده ای که در آثار ارزشمند زیر گرد آمده است: «تاریخ تحلیلی مطبوعات» از استاد محیط طباطبایی، «تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران در دوره مشروطیت» از ادوارد براون، «تاریخ جراید و مجلات ایران» از محمد صدر هاشمی، «تاریخ روزنامه نگاری ایران

«از سید فرید قاسمی، «سیر ارتباطات اجتماعی در ایران» از حمید مولانا، «مطبوعات و احزاب دوره مشروطیت» از عبدالکریم ذاکر حسین، «اسنادی از مطبوعات و احزاب دوره رضا شاه» و ... . البته در زمینه سبک نثر وی، دو مقاله پژوهشی منتشر شده است؛ یکی مقاله ارزشمند دکتر جلالی پندری تحت عنوان شیوه نثر نویسی فرّخی یزدی، چاپ شده در نشریه وزین «دانشکده ادبیات و علوم انسانی» دانشگاه شهید باهنر کرمان (ش ۱۹، بهار ۱۳۸۵) و دیگری مقاله این جانب، تحت عنوان «بررسی سبک نثر فرّخی یزدی»، چاپ شده در مجله وزین «کاوش نامه» دانشگاه یزد (س ۷، ش ۱۳).

نگارنده، در این مقاله، بر اساس نتایج بازخوانی بیشتر مندرجات طوفان که بر مبنای قواعد نمونه گیری انتخاب شده و تجزیه و تحلیل و بررسی تمام سر مقالات طوفان موجود، به ویژه حدود شش صد سر مقاله ای که از خود فرّخی بود (صادق زاده، ۱۳۸۳)، می‌کوشد که ابتدا، دوره های مبارزات قلمی فرّخی و انتشار روزنامه طوفان را توصیف و تحلیل کند و بعد از آن، ویژگی های دو دوره اصلی «طوفان روزانه» را به لحاظ جهت گیری و به لحاظ محتوایی، بررسی و به صورت کمی در جدولی مقایسه نماید؛ سپس، به معرفی کامل مشخصات روزنامه طوفان و مخاطرات و توقیف های پی در پی که طوفان با آنها رو به رو شد، بپردازد و در ادامه، مختصات و امتیازات روزنامه نگاری فرّخی را تحلیل و بررسی کند. بی تردید، نتایج این تحقیق و تحلیل و کشف بعضی رمز و رازها و روابط سیاسی دوره رضا خان و شناخت دقیق تر اهداف اجتماعی، سیاسی و مسلکی طوفان و آرمان ها و دغدغه های یکی از چهره های راستین مشروطیت و یکی از فرزندان پاک باز مام میهن، اهمیت بسیار دارد.

لاله می روید ز خاک فرّخی با داغ سرخ خورده از بس خون دل در انقلاب زندگی\*  
(دیوان: ۲۳۵)

## بحث

### الف- دوران مبارزات قلمی فرّخی یزدی:

اصولاً دوران فعالیت های قلمی و روزنامه نگاری فرّخی را با توجه به زمینه ها، روی دادها، محتوا و سبک و سیاق آن، به پنج دوره اصلی می توان تقسیم بندی کرد:

\* اشعار فرّخی یزدی در متن، به دیوان فرّخی، به کوشش حسین مسرت ارجاع شده است.

۱- دوره یکم (۱۲۹۰ - ۱۳۰۰. ش): از زمان اقامت در تهران و همکاری با جراید پایتخت تا تأسیس طوفان. در این دوره، فرّخی در تهران به مشروطه خواهان و دموکرات‌ها پیوست و فعّالانه در مبارزات گسترده اجتماعی و سیاسی علیه مستبدان داخلی و استعمارگران خارجی مشارکت کرد و اشعاری انقلابی و شورانگیز و مقالاتی آتشین در وصف آزادی‌خواهی، ستم‌ستیزی و عدالت‌گری، در جراید پایتخت منتشر کرد و از این پس، نامش به عنوان شاعری آزادی‌خواه و عدالت‌طلب، زبانزد عامّ و خاص شد. مخالفت جدّی فرّخی با قرارداد (۱۹۱۹) و ثوق الدوله، وی را بیش از پیش به عنوان مبارزی مصمّم، مقاوم و سازش‌ناپذیر در میان نخبگان سیاسی و اجتماعی مشهور کرد.

۲- دوره دوم (۱۳۰۰ - ۱۳۰۲): از زمان تأسیس طوفان تا توقیف طوفان به علت نشر مقاله «امّیت چیست؟» (س ۲، ش ۳۷) در اعتراض به توقیف روزنامه «اقدام» و تبعید مدیر آن. این دوره، مرحله جدیدی از فعّالیت‌های سیاسی و اجتماعی فرّخی و اساسی‌ترین و مهم‌ترین دوران روزنامه‌نگاری وی بود. مبارزات قلمی و فعّالیت‌های روشنگری فرّخی در روزنامه‌های طوفان روزانه و سپس طوفان هفتگی، عمده‌ترین بخش مبارزات ضدّ استبدادی و ضدّ استعماری وی نیز به شمار می‌رفت؛ از این رو، روزنامه‌های طوفان، علاوه بر این که بیانگر آرمان‌ها و اندیشه‌های سیاسی و گرایش‌های مسلکی و حزبی وی است،<sup>(۱)</sup> بازتاب یک دوره کارنامه نهضت خونین آزادی‌خواهی و دشمن‌ستیزی مردم ایران نیز محسوب می‌شود. این دوره، با انتشار نخستین شماره طوفان در دوم شهریور (۱۳۰۰) آغاز شد و تا آذر ماه (۱۳۰۲) ادامه داشت و شامل سه سال اول طوفان بود. طوفان از همان شماره نخست، شیوه انتقادی و گرایش ضدّ استبدادی و آزادی‌خواهانه و مرام عدالت‌جویانه و سوسیالیستی خود را به روشنی نشان داد. بیشترین مطالب طوفان در این دوره، شامل انتقادات تند و شدید علیه حکام مستبد، سران قدرت‌طلب، وطن‌فروشان و اجنبی پرستان خودباخته و اربابان بهره‌کش و نیز دفاع از حقوق کارگران و دهقانان زحمت‌کش بود. حمایت‌های وی از طبقات کارگر و دهقان و دیگر زحمت‌کشان به حدّی بود که وی را به گرایش‌های سوسیالیستی، منتسب و حتّی روزنامه طوفان را «ارگان تبلیغی شوروی‌ها» قلمداد می‌کردند؛ البتّه اشعار و مقالات وی درباره «تاریخ سوسیالیزم»، «اهمّیت سوسیالیزم» و بیان اندیشه‌های جامعه‌اشتراکی و

دفاع از «بلشویسم» و «انقلاب اکتبر» شوروی‌ها و نیز تحصّن‌های وی در سفارت شوروی به هنگام توقیف طوفان و... این عقیده را تقویت می‌کرد.

از سوی دیگر، مبارزه بی‌امان و سازش‌ناپذیر وی با سران مستبد و حکام دولتی و عوامل قدرت و دفاع جانانه و شورانگیز وی از آزادی‌خواهی و مشروطه‌طلبی، طوفان را به عنوان نشریه‌ای که در راه آزادی، استقلال وطن، برقراری حکومت قانون و استقرار برابری و دادگری می‌کوشد و با ایشاری بی‌مانند مبارزه می‌کند و به روشنگری و افشاگری می‌پردازد، معرفی می‌کرد.

اما مبارزه سازش‌ناپذیر طوفان علیه حکام جور و زورمداران مستبد در این دوره، در سال دوم پیش از پیش‌شدت و وحدت گرفت؛ مهم‌ترین سرمقاله‌های انتقادی و شدید‌الّلحن طوفان در سال دوم، عبارتند از:

«نهیضت ملی لازم است» (ش ۲)، «مجازات بشر ناقص است» (ش ۳)، «مدفن سیروس می‌لرزد» (ش ۴)، «صفوف متقابل» (ش ۵)، «تذکره مجلس چهارم» (ش ۶)، «فجایع انگلیسی‌ها در بین‌النهرین» (ش ۷)، «اولین محاکمه مهم» (ش ۱۱)، «باید تسلیم قانون شد» (ش ۱۵)، «وزرا در پیشگاه پارلمان» (ش ۱۶)، «متواضع به قانون، محترم است» (ش ۱۷)، «قوانین آسمانی و مدنی» (ش ۲۱)، «اسلام و آزادی» (ش ۲۲)، «مترنخیخ ایران» (ش ۲۳)، «خانواده خیانت» (ش ۲۸)، «بودجه مملکتی» (ش ۶۳) و...

۳- دوره سوم (۱۳۰۲ - ۱۳۰۵): دوران فترت و تعطیلی طوفان که با توقیف طوفان در آذر ماه (۱۳۰۲)، به علّت چاپ مقاله «حکومت فشار»<sup>(۲)</sup> آغاز شد و تا شهریور (۱۳۰۵)، به مدّت دو سال و نیم ادامه داشت. در این دوره، نشانه‌ای از انتشار رسمی و علنی طوفان وجود ندارد و اگر هم شماره‌ای از طوفان به صورت زیرزمینی و پنهانی منتشر شده است، اکنون در دسترس نیست. فرّخی در این دوره و انفسا و خفقان آور، به فعالیت‌های فرهنگی، مانند تأسیس «قرائت‌خانه و کتاب‌خانه مؤسسه طوفان» و همکاری با روزنامه «اقدام»، اقدام و تعدادی از غزلیات خود را نیز منتشر کرده است. (آذری شهرضایی، ۱۳۸۱: ۱۸-۱۹)

۴- دوره چهارم (۱۳۰۵-۱۳۰۷): این دوره از زمان انتشار مجدد طوفان به سبک و سیاق تازه، در تاریخ (۱۳۰۵/۶/۶) شروع شد و تا پایان مجلس هفتم (بهمن ۱۳۰۷) ادامه پیدا کرد. طوفان در این دوره، با توجه به وضعیت پیش‌آمده، شیوه‌ای ملایم و محتاطانه در پیش

گرفت و سطح انتقادات آن از رأس هرم قدرت به سطوح پایین تر تغییر کرد و از آن مقالات و نوشته‌های سیاسی تند و شدید، دیگر خبری نبود.

۵- دوره پنجم (۱۳۱۰ - ۱۳۱۱): این دوره را که دوره «روزنامه‌نگاری در هجرت و تبعید» می‌توان نامید، از زمان ورود فرّخی به برلین (پس از اقامت کوتاه در شوروی) در بهار (۱۳۱۰) آغاز شد و تا بازگشت اجباری وی به ایران در شهریور (۱۳۱۱) ادامه داشت. هر چند درباره فعالیت‌های روزنامه‌نگاری فرّخی در این دوره، نظرات متفاوتی وجود دارد، با این حال بیشتر محققان عقیده دارند که فرّخی در آلمان نیز فعالیت روزنامه‌نگاری و مبارزات قلمی خود را با تأسیس و انتشار روزنامه «پیکار» و «نهضت» ادامه داده است. اگر چه شواهد و نشانه‌های روشنی از آثار و مقالات فرّخی در این روزنامه‌ها، دیده نشده است، به نظر می‌رسد، همکاری وی با نشریات یاد شده، بیشتر از طریق دادن اطلاعات و ارائه اسناد و افشاگری علیه رژیم دیکتاتوری بوده است.

بنابراین، فعالیت‌های اصلی و جدی قلمی فرّخی به انتشار روزنامه‌های طوفان مربوط است و به دو دوره اصلی تقسیم می‌شود و شامل مرحله‌های دوم و چهارم دوران روزنامه‌نگاری وی است. (آذری شهرضایی، ۱۳۸۱: ۵ و ۱۶) برای تشخیص و مقایسه بیشتر ویژگی‌های این دو دوره از لحاظ گرایش‌های انتقادی، جدول زیر ارائه می‌شود.

#### جدول شماره ۱

نتایج محاسبه و مقایسه شدت لحن انتقادات علیه حکومت و دولت خودکامه،  
(بین دوره اول و دوره دوم)

ردیف	دوره اول					دوره دوم				
	انتقاد علیه رأس هرم قدرت		انتقاد علیه قاعده هرم قدرت		انتقاد علیه رأس هرم قدرت		انتقاد علیه قاعده هرم قدرت			
۵	تعداد	نسبت به مقالات	تعداد	نسبت به مقالات	تعداد	نسبت به مقالات	تعداد	نسبت به مقالات		
		۳۲	۹۱/۴۳٪	۳	۸/۵٪	۵	۳۱/۲۵٪	۱۱	۶۸/۷۵٪	

#### ب - مشخصات «طوفان روزانه»:

فرّخی با درک و بینش بالای سیاسی و اجتماعی و آگاهی از اوضاع جهانی پس از انقلاب اکتبر (۱۹۱۷) در شوروی و کودتای سوم اسفند (۱۲۹۹ ش.) و بازگشت ارتجاع و ادامه استبداد، چاره کار را در این دید که از طریق فعالیت‌های قلمی و روشنگری عمومی و



رسوا کردن ستمگری به دفاع از جنبش راستین ملت و حمایت از مردم محروم و زحمت کش برخیزد و به مبارزه برای آزادی و برابری و دادگری پردازد. فرّخی کاملاً متوجّه بود که آزادی دلخواه وی، پس از آگاهی به ثمر می‌نشیند و ارزش دارد و گرنه آزادی بدون آگاهی، خود بند دیگری است؛ از این رو، برای کمک به نجات کشتی طوفان زده ملت و وطن، پس از سال‌ها همکاری با جراید پایتخت و انتشار مقالات و اشعار آتشین، مجوّز انتشار روزنامه «طوفان» را به صاحب امتیازی خودش و مدیر مسئولی علی اکبر موسوی زاده‌زدی<sup>(۳)</sup>، اخذ و آن را منتشر کرد.

فرّخی، اسم طوفان را با توجّه به اوضاع اجتماعی و فضای سیاسی کشور برگزید<sup>(۴)</sup> و «با کلیشه سرخ» که از انقلابی بودن آن حکایت می‌نمود، به طرفداری از توده رنجبر و دهقان و هواداری کارگران منتشر کرد. سر لوحه روزنامه در ابتدا، دریای متلاطمی بود که در وسط آن، کشتی‌ای در حال غرق شدن است. این سرلوحه به رنگ قرمز<sup>(۵)</sup> بود و بعداً این سرلوحه برداشته شد و فقط کلمه «طوفان» به رنگ سرخ چاپ می‌شد. (مگی، ۱۳۶۹: ۲۱)

نوع و روش طوفان، خبری، تحلیلی، انتقادی، زمینه انتشار آن، بیشتر مسایل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و گستره توزیع آن، سراسری و مخاطبان آن عموم مردم بودند<sup>(۶)</sup> و به شکل روزنامه‌ای منتشر می‌شد. قطع روزنامه طوفان در ابتدا (سال اول تا پنجم)، متوسط (۵/۳۷×۵۵ سانتی متر) و از سال ششم به بعد، قطع آن «بزرگ» (۵۳×۶۸ سانتی متر) بود. تعداد صفحات روزنامه طوفان به جز بعضی از شماره‌ها (که دو صفحه‌ای بود)، بیشتر در چهار صفحه و به صورت پنج ستونی یا شش ستونی منتشر می‌شد. طوفان «عنوان یومیّه» داشت و ترتیب انتشار آن، به این صورت بود که در سال اول، هفته‌ای دو روز (جمعه و دوشنبه) و در سال‌های بعد، هفته‌ای سه روز (دوشنبه، چهارشنبه و جمعه) و از تاریخ (۱۳۰۵/۸/۸) به صورت «روزانه» منتشر می‌شد.

طوفان به رغم مخاطرات و تهدیدها، با استفاده از مجوّز نشریات دیگر، به مدت هشت سال به کار خود ادامه داد؛ البتّه در اواخر بهمن ۱۳۰۶، «طوفان هفتگی» نیز که «نامه ادبی، اجتماعی» بود، به طور موازی و به ضمیمه «طوفان روزانه» انتشار می‌یافت. روزنامه طوفان در سال اول، ۵۳ شماره، در سال دوم، ۱۰۸ شماره، در سال سوم، ۳۷ شماره، در سال ششم، ۲۵۷

شماره، در سال هفتم، ۲۴۸ شماره، در سال هشتم، ۱۳۴ شماره و جمعاً (۸۳۷ شماره) به شکل رسمی و آشکارا منتشر شد.

## جدول شماره ۲

## وضعیت هشت سال انتشار روزنامه طوفان

محل نگهداری آنها	شما ره‌های موجود	شما ره‌های منتشر شده	تاریخ آخرین شماره و علت آن	تاریخ نخستین شماره	سا ل انتشار
۱- کتاب خانه مرکزی دانشگاه تهران: میکروفیلم ش ۵۵۵۸، سال اول، ش ۱-۵۳ (به غیر از ش ۵۲) ۲- کتاب خانه ملی: ش ۱ تا ۴۷ ۳- مجموعه نزد استاد مکی	۵۲	۵۳	ش ۵۳ (۱۳۰۰/۱۲/۱۸) به علت توقیف	ش ۱، (۱۳۰۰/۶/۲)	سا ل اول
۱- کتاب خانه دانشگاه تهران: میکروفیلم ش، ۵۵۵۹ س ۱-۱۰۸ ۲- کتاب خانه ملی: ش ۱-۱۰۸ ۳- مجموعه نزد استاد مکی	۱۰ ۸	۱۰ ۸	ش ۱۰۸، پایان سال دوم	ش ۱، (۱۳۰۰/۵/۳۱)	سا ل دوم
۱- کتاب خانه ملی: ش ۱-۳۷ ۲- کتاب خانه دانشگاه تهران، میکروفیلم ش ۵۵۶۰ س ۲ تا ۷ (شماره‌های نامرتب)	۳۷	۳۷	ش ۳۷ (۱۳۰۲/۹/۳) به علت توقیف	ش ۱، (۱۳۰۲/۸/۱)	سا ل سوم

۳- مجموعه نزد استاد مکی					
نا یاب	-	-	تبعید	«توقیف» (انتشار احتمالی به صورت پنهانی و زیرزمینی)	سا ل های چهارم و پنجم
۱- کتاب خانه مجلس شورای اسلامی (ش ۱)، از ش ۱ تا ۲۵۷ ۲- کتاب خانه دانشگاه تهران، میکروفیلم ش ۵۵۶۰، س ۲ تا ۷ (شماره های نامرتب) ۳- مجموعه نزد استاد مکی	۲۵ ۷	۲۵ ۷	ش ۲۵۷ (۱۳۰۶/۶/۹) پایان سال ششم	ش ۱، (۱۳۰۵/۶/۶)	سا ل ششم
۱- کتاب خانه مجلس شورای اسلامی (ش ۱) از ش ۱۳۹ تا ۲۴۸ ۲- مجموعه نزد استاد مکی ۳- کتاب خانه دانشگاه تهران، همان (شماره های نامرتب)	۲۴ ۸	۲۴ ۸	ش ۲۴۸ (۱۳۰۷/۶/۹) پایان سال هفتم	شهریور ۱۳۰۶	سا ل هفتم
۱- مجموعه نزد استاد مکی ۲- کتاب خانه مجلس شورای اسلامی (ش ۱)	۱۳ ۴	۱۳ ۴	ش ۱۳۴ (بهمن ۱۳۰۷)	ش ۱، (۱۳۰۷/۶/۱۱)	سا ل هشتم
	مج موعاً: ۸۳۶	مج موعاً: ۸۳۷			

طوفان روزانه معمولاً در چهار صفحه و در موارد اندکی نیز به طور فوق العاده در هشت صفحه منتشر می شد. (س ۶، ش ۱۰) صفحه اول، به غیر از کلیشه و مشخصات کامل روزنامه، به سرمقاله و یک رباعی به مناسبت از خود فرخی در بالای صفحه و نیز مهم ترین و تازه ترین اخبار داخلی و خارجی و اعلانات و آگهی های بسیار مهم دولتی، اداری، سفارشی و یا اخطارهای مربوط به خود طوفان، اختصاص داشت. گاهی به جای سرمقاله، از مقالات وارده (مقالات نویسندگان دیگر) استفاده می شد؛ البته استفاده از مقالات نویسندگان دیگر، بیشتر مربوط به دوره دوم طوفان (از سال ششم به بعد) بود. در سال هفتم

از مقالات نویسنده‌ای به نام «سید صادق حسینی» استفاده می‌شد که بیشتر شامل موضوعات اخلاقی، تربیتی و مسایل مربوط به اصلاحات اجتماعی و سیاسی بود.

صفحه دوم و گاهی قسمتی از صفحه سوم، به اخبار رسیده از ولایات، حوادث و در صورت لزوم، ادامه گزارش مذاکرات، مصوبات مجلس و یا نقد و تفسیر آن، تحت عنوان «در پارلمان» و یا دنباله مهم‌ترین اخبار خارجی و داخلی اختصاص داشت. در صفحه سوم، به جز درج دنباله اخبار و یا گزارش‌های صفحات پیشین، اخبار رسیده از طریق «بی‌سیم»، «تلگراف» و یا خبرگزاری‌ها، مثل «اخبار رویترا» و یا جراید دیگر و مطبوعات خارجه منتشر می‌شد. گاهی در صفحه سوم، بعضی از اخبار بسیار مهم و هشداردهنده، چون خبر «باز هم تحصن» و «اعتراف به مغلوبیت» (س ۲، ش ۱)، شرح و تفسیر می‌شد. در بسیاری از موارد، بخشی از این صفحه به مقالات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و آموزشی، اختصاص پیدا می‌کرد، مانند مقاله معرفی «قانون اساسی جمهوری اجتماعی متحده شوروی روسیه». (همان). در بعضی موارد نیز، پایین صفحه سوم (در ادامه صفحه دوم) داستان‌ها و رمان‌هایی به صورت «پاورقی» به چاپ می‌رسید، چون داستان «یادبود»، ترجمه عبدالحسین هژیر (س ۶، ش ۲۳۵). صفحه چهارم، گاهی کاملاً و گاهی اکثراً به آگهی‌ها و اعلانات تبلیغاتی، تجاری و صنفی و فرهنگی، یا نامه‌های کوتاه تبریک، تسلیت و مجالس ترحیم و دعوت نامه‌ها و ... اختصاص داشت؛ البته به غیر از صفحه چهارم (آخر)، گاهی در صفحات دیگر نیز آگهی‌های هنری، آموزشی و ادبی و نامه‌های عاطفی و اداری و تجاری، منعکس می‌شد. اغلب در پایین صفحه آخر، غزلی از فرخی، تحت عنوان «قسمت ادبی» و در صفحه چهارم، تحت عنوان «ستون خوانندگان»، نامه‌های انتقادی آنان درج می‌شد.

موارد اندکی هم وجود داشت که حتی در صفحه اول، اعلانات و آگهی‌های بسیار قابل توجه و مهمی، تحت عنوان «مسایل متنوعه و متفرقه»، همراه با تصویرها و عکس‌هایی منتشر می‌شد؛ البته موارد استثنایی، چون زمان انتخابات مجلس شورای ملی هم بود که بیشتر صفحات به بازتاب اخبار و مسایل مربوط به انتخابات و درج نتیجه آرای منتخبان و ... اختصاص می‌یافت. برای تشخیص دقیق تر مطالب طوفان روزانه و مقایسه آن، بین دوره اول و دوم، جدول زیر ارائه می‌شود.

جدول شماره ۳

نتایج مقایسه سطوح مندرجات «روزنامه‌های طوفان» (به درصد) بین (دوره اول و دوم)

ردیف	مندرجات	دوره اول	دوره دوم
۱	سرمقالات	٪۱۹/۴	٪۶/۵
۲	مقالات	٪۲/۳	٪۶/۱
۳	اخبار داخلی	٪۱۹/۴	٪۱۶/۵
۴	اخبار خارجی و ...	٪۲۵/۱	٪۱۷/۳
۵	گزارش مجلس (در پارلمان)	٪۲/۷	٪۲۰/۵
۶	نامه‌های خوانندگان	٪۵/۵	*
۷	آنگهی‌ها و اعلانات	٪۱۷/۴	٪۲۶/۲
۸	شعر و مسابقه	٪۱/۷	٪۱
۹	متنوعه و متفرقه	٪۱/۱	٪۱/۱

پ - طوفان و توقیف‌ها :

طوفان به دلیل خط‌مشی سیاسی، ضد استبدادی و استعماری و حمایت از کارگران، دهقانان، رنجبران و انقلابیان و گرایش‌های آزادی‌خواهی، برابری و سوسیالیستی و شیوه‌های انتقادی به استناد بسیاری از شماره‌های طوفان، بیش از پانزده بار توقیف شد اما هر بار که توقیف می‌شد، فرخی با استفاده از امتیاز نشریات دیگری، مانند پیکار، قیام، آئینه افکار و ستاره شرق، آن را منتشر می‌کرد. با این حال، فرخی پس از این که طوفان توقیف می‌شد، با رباعی زیر خوانندگان را به پی‌گیری مطالب در روزنامه دیگری فرا می‌خواند:

شد خرم‌من ما، دست‌خوش برق ببین      طوفان به خلاف رسم شد غرق ببین  
خواهی اگر آن نکات «طوفانی» را      در آتیه از «ستاره شرق» ببین<sup>(۱۰)</sup>  
(دیوان: ۲۹۰)

و هنگامی که از توقیف خارج می‌شد، می‌سرود:

طوفان که ز توقیف برون می‌آید      جان در تن ارباب جنون می‌آید

زین سرخ کلیشه کن حذر ای خائن این جاست که فاش، بوی خون می آید

(دیوان: ۳۶۵)

نخستین بار، طوفان در سال اول در شماره ۲۲ (۱۳۰۰/۹/۸) و به علت حمله به قوام السلطنه و خودکامگی های او توقیف شد و فرخی شماره بعدی را با نام روزنامه «ستاره شرق» (در واقع شماره ۲۲ طوفان) منتشر کرد.<sup>(۷)</sup> سرانجام، طوفان در بهمن ۱۳۰۰ ش. از توقیف بیرون آمد و به سیر طوفانی خود ادامه داد.

فرخی در سالگرد کودتای سوم اسفند، (۱۳۰۰/۱۲/۱۸)، علیه اعلامیه شدیداللحن حکومت نظامی، مبنی بر تهدید روزنامه نگاران و نیز بر ضد بی قانونی های سردار سپه (رضاخان) سرمقاله بسیار تندی نوشت و چون همیشه با درج یک رباعی در آغاز آن، منتشر کرد و پس از فرار از چنگ مأموران نظامی، در سفارت شوروی تحصن کرد:

از یک طرفی مجلس ما شیک و قشنگ از یک طرفی عرصه به ملیون تنگ  
قانون و حکومت نظامی و فشار این است حکومت شتر گاو پلنگ

(دیوان: ۳۷۴)

سپس، فرخی نخستین شماره طوفان را در سال دوم، پس از شش ماه توقیف، در تاریخ (۱۳۰۱/۵/۳۱) منتشر کرد. (صدرهاشمی، ۱۳۶۳: ۱۷۰-۱۷۲) طوفان در سال دوم نیز به دلیل انتقادهای تند و جدی علیه دولت، مجلس، اشراف و حتی دولت انگلیس، سه بار توقیف شد (مگی، ۱۳۵۹: ۲۳-۲۵) نخستین توقیف طوفان در سال دوم، در زمان انتشار شماره چهارم (۱۳۰۱/۶/۷) پیش آمد؛ طوفان در این شماره با طرح «سؤال از رئیس دولت»، به استناد ماده (۵۰)<sup>(۸)</sup> قانون مطبوعات، با لحن تند و اعتراض آمیز پرسیده بود که: «از روی چه منطق و به کدام دلیل، جریده «حقیقت»، «شفق سرخ» و «عصر انقلاب» در تهران و جریده «راه نجات» در اصفهان و روزنامه «خراسان» در مشهد، توقیف شده اند و به عرض کدام محکمه قانونی رسیده است؟» اما به دلیل اعتصاب و مخالفت های کارگران چاپخانه ها و مدیران جراید، به زودی این توقیف پایان یافت و شماره ۵ طوفان، سال دوم، در تاریخ (۱۳۰۱/۶/۲۲) منتشر شد. دومین توقیف طوفان در همین سال، پس از انتشار شماره ۳۱، سال دوم (۱۳۰۱/۸/۲۸) بود که به دلیل چاپ مقاله بسیار تندی، تحت عنوان «خیر مقدم» توقیف شد. در این سرمقاله که به مناسبت ورود دکتر «میلسپو»ی امریکایی، رئیس کل مالیّه ایران و دیگر مستشاران

امریکایی نوشته شد، باز هم به شدت از قوام السلطنه انتقاد کرد و به دولت و فعالیت‌های آن تاخت.

از شهریورماه ۱۳۰۲، سومین سال انتشار طوفان آغاز شد و فرّخی در سرمقاله نخستین شماره، تحت عنوان «سال سوم طوفان»، ضمن بحث از مشکلات و مصائب پیش آمده، بر ثبات قدم و استقامت طوفان در راه مبارزه تأکید کرد و در قسمتی از آن نوشت:

«طوفان کمافی السّابق، سبک انتقاد را از دست نخواهد داد زیرا ما معتقدیم که رویه انتقاد، یکی از بهترین صور تصحیح اخلاق می‌باشد. بالأخره مرام ما، استقرار اصول آزادی و حریت است و سعی خواهیم نمود که آن اصول، به تمام معنی اجرا گردد و چنان که سوابق امر روزنامه شهادت می‌دهد، در این موضوع فداکاری نموده و برای ترویج این مواد که به عقیده ما برای ملت ایران لایزال است، پافشاری نموده و ثابت قدم خواهیم بود.» (س ۲، ش ۱)

طوفان در سال سوم نیز به علت درج مقاله: «امنیت چیست؟» (۱۳۰۲/۹/۳)، در اعتراض به توقیف روزنامه اقدام و تبعید مدیر مسئول آن، عباس خلیلی، باز هم توقیف شد که مدت‌ها طول کشید. فرّخی ضمن درج رباعی زیر، در قسمتی از این سرمقاله نوشت:

با مشت و لگد، معنی امنیت چیست؟      با نفعی بلد، ناجی امنیت کیست؟  
 با زور مرا مگو که امنیت هست      با ناله ز من شنو که امنیت نیست!

(دیوان: ۳۲۶)

«امنیت فقط منکوب کردن راهزنان کوه و بیابان و قطع ریشه شرارت اشرار و دزدان نیست. امنیت این است که افراد مردم، عموماً بدون استثنا از هر نوع تعرض و خلاف، مصون باشند. امروز ما موظف هستیم که سردار سپه را یادآوری کنیم که: گذشته از این که دنیای ما نادر و ناپلئون نمی‌پروراند، اگر می‌خواهید در ردیف جهان گیران، نام شما ثبت شود، باید لااقل از رویه و طریقه ایشان پیروی نمایید. به عبارت آخری در تحت کلمه «اجرای قانون»، با اراده فردی حکومت نکنید!»

به هر حال، این توقیف‌ها و تعطیل‌های طوفان و تبعیدهای فرّخی، به اشکال گوناگون ادامه‌افت. بحث و بررسی همه این مسایل و حوادث، از حوصله این مقاله بیرون است. در جدول زیر به طور فشرده، به موارد آن اشاره شده است.

## جدول شماره ۴

تعداد توقیف‌ها و تعطیل‌های روزنامه طوفان و علت آن

سال‌های انتشار	شماره و تاریخ روزنامه توقیف و یا تعطیل شده	علت توقیف یا تعطیل	تاریخ رفع توقیف و ...	نشریه‌ای که به جای آن منتشر شد
سال اول	ش ۲۲، (۱۳۰۰/۹/۸)	انتقاد شدید علیه قوام و خودکامگی‌های او	۱۳۰۰/۹/۱۱	ستاره شرق، ش ۱، س ۱، (۱۳۰۰/۹/۸)
	ش ۲، (۱۳۰۰/۱۲/۱۸)	انتشار مقاله بسیار تند علیه سردار سپه و تحصن در سفارت شوروی	۱۳۰۱/۵/۳۱ (سال دوم)	تعطیلی
سال دوم	ش ۳-۴، (۱۳۰۱/۶/۷)	اعتراض شدید علیه دولت به دلیل توقیف روزنامه‌های آزادی خواه	۱۳۰۱/۶/۲۲	تعطیلی
	ش ۳۱، (۱۳۰۱/۸/۲۸)	چاپ مقاله «خیرمقدم» و انتقاد شدید علیه قوام و کابینه وی	۱۳۰۱/۱۱/۱۰	پیکار، ش ۱، س ۱، (۱۳۰۱/۹/۳۰) به جای ش ۳۲ طوفان
	ش ۳۲ طوفان (ش ۱ پیکار) (۱۳۰۱/۸/۳۰)	چاپ مقاله «حراج در وزارتخانه» و انتقاد شدید از قوام و ...	توقیف همیشگی	قیام، ش ۱، س ۱ (۱۳۰۱/۱۰/۲۷) به صاحب- امتیازی تفرشی و مدیری موسوی زاده



تعلیلی	توقیف همیشگی	چاپ مقاله «وضعیت پوشالی» و انتقاد از احمدشاه	۶ ش ۳ قیام (۱۳۰۱/۱۱/۳)	
تعلیلی	۱۳۰۱/۱۱/۱۰	جلوگیری از انتشار آن به دلیل ادامه توقیف	۷ ش ۳۳ طوفان، (۱۳۰۱/۱۱/۸)	
تعلیلی	شکایت فرّخی به وزارت داخله و رفع تعلیلی آن در (۱۳۰۱/۱۱/۲۴)	انتشار مقاله «در راه آزادی» و به مناسبت تبعید همکاران روزنامه نگار و جلوگیری شهربانی از ادامه انتشار طوفان	۸ ش ۳۸ طوفان، (۱۳۰۱/۱۱/۲۲)	
سال سوم	فروردین ۱۳۰۳	چاپ مقاله «امنیت چیست؟» در اعتراض به توقیف روزنامه اقدام	۹ ش ۳۷ (۱۳۰۲/۹/۳)	
تعلیلی	توقیف همیشگی	چاپ مقاله «حکومت فشار» علیه رضاخان و تبعید فرّخی به کرمان	۱۰ ش ۱، آئینه افکار (۱۳۰۲/۱۰/۱۲)	
سال چهارم و پنجم	-	-	تعلیلی (اجباری و یا اختیاری)	
سال هفتم	۱۳۰۷/۶/۱۱	انتشار سفرنامه شوروی و چاپ مقاله «جور و ستم دیکتاتوری»	۱۱ ش ۸۹، مورخ (۱۳۰۶/۹/۲۴)	
سال هشتم	خاموشی همیشگی طوفان	بیان یافتن مصوئیت سیاسی و فراروی- به شوروی، به دلیل همکاری با تشکیلات سیاسی و پخش شب نامه علیه حکومت رضاخانی	۱۲ ش ۱۳۴، موزخ (۱۳۰۷/۱۲/۲۳)	

### ت\_ ابداعات و امتیازات روزنامه نگاری فرّخی:

فرّخی نام «طوفان» را آن گونه که خود نیز گفته، با توجه به فضای سیاسی و اجتماعی ایران آن روزگار برگزیده است و این البته از نخستین «لوگوی» طوفان، روشن بود؛ از این رو، خود را برای مبارزه خستگی ناپذیر و سازش ناپذیر با استبداد و استعمار و... آماده کرده است. فرّخی، همان گونه که در غزل سرایی سیاسی و ترکیب آفرینی نوآوری‌هایی دارد، در مبارزات قلمی و روزنامه نگاری نیز نسبت به معاصرانش، ویژگی‌ها و نوآوری‌های مخصوص به خود دارد که عبارت است از:

#### ۱- عزم قطعی و تدبیرگری و دوراندیشی در فعالیت‌های روزنامه نگاری:

فرّخی به خوبی می‌دانست که برای مبارزه با ستم و بی‌عدالتی و استبداد داخلی و استعمار خارجی، راهی طولانی و پیکاری خونین را در پیش دارد؛ بنابراین از قبل، پیش‌بینی و چاره‌اندیشی کرده و امتیاز چند نشریه را بدین منظور گرفته بود؛ از این رو، همین که روزنامه‌ای در بند خفقان و دیکتاتوری، توقیف می‌شد، با روزنامه‌های دیگری، مانند «ستاره

شرق»، «قیام»، «پیکار» و...، ادامه می‌داد. این، بیانگر عزم قطعی و مبارزه دایمی وعدم سازش او تا استقرار آزادی و عدالت و حکومت مردمی است زیرا وی عقیده داشت: با چنین سرمایه عزم تزلزل ناپذیر — نامۀ حق‌گوی «طوفان» تا ابد پاینده است (دیوان: ۹۹)

یا: انصاف عدل داشت موافق بسی، ولی چون فرّخی موافق ثابت قدم نداشت (دیوان: ۱۱۵)

## ۲- توجه به عامۀ مردم و افزایش آگاهی‌های عمومی:

فرّخی به منظور افزایش آگاهی‌های عمومی و بالا بردن بینش سیاسی و اجتماعی مردمی و تشویق همگانی و نیز برای کسانی که خرید روزنامه و کتاب برایشان مشکل بود، مکانی به نام «قرائت‌خانه طوفان» را تأسیس و در (۱۳۰۰/۹/۲۵)، آن را در جنب دفتر روزنامه افتتاح کرد. در اعلامیه شماره‌هایی از طوفان، بدین منظور آمده است که: «قرائت‌خانه طوفان»، «همه روزه از سه ساعت قبل از ظهر تا ظهر و از دو ساعت بعد از ظهر تا هفت بعد از ظهر، مفتوح و عموم می‌توانند از جراید و مجلات داخله و کتب مفیده استفاده نمایند.» (مگی، همان: ۵۳)

این قرائت‌خانه مرکزی، ابتدا در جنب دفتر روزنامه، واقع در لاله‌زار، دایر و بعد به سر پیچ شمیران و سپس، خیابان اسلامبول منتقل شد. فرّخی شرایطی را فراهم کرده بود که حتی کسبه و کارگران بی‌سواد نیز بتوانند در ساعات معین، در آنجا حاضر شوند و از جراید و کتاب‌هایی که مدیر قرائت‌خانه (فرّخی) برای آنان قرائت می‌کرد، بهره ببرند. (انصاری، ۱۳۶۳: ۱۶۷۹)

## ۳- استفاده از شعر برای سبک‌رواننگاری و بیان مقاصد سیاسی:

فرّخی در هر شماره طوفان، در آغاز سرمقاله، یک رباعی به مناسبت و هماهنگی با موضوع مقاله درج می‌کرد و یا غزل‌های سیاسی خود را در پایان طوفان منتشر می‌کرد. این رباعیات که به قولی، «دست کمی از رباعیات خیام در فلسفه و عرفان» نداشت (شفیعی کدکنی، ۱۳۶۳: ۳۳۸)، به منزله «درآمدی» بر مطالب سرمقاله بود و چنان با موضوع مطرح شده هماهنگی داشت که انگار بدون آنها، بیان مقصود ناتمام بود<sup>(۹)</sup> چون سبک گلستان سعدی که نثر و شعرش به هم آمیخته، هماهنگ و مکمل است. این رباعیات و غزلیات،

بیشتر به صورت فی البداهه سروده می‌شد و بیانگر ذوق سرشار و طبع نیرومند فرّخی بود و بر دل خوانندگان تأثیر زیادی می‌گذاشت؛ از این رو، طوفان فرّخی، هم از جنبه‌های انتقادی، سیاسی و اجتماعی و هم از لحاظ ادبی ارزشمند شده است.

#### ۴- ابتکار سفید گذاشتن جای اخبار به علّت سانسور:

یکی از ابتکارات فرّخی در روزنامه‌نگاری که برای نخستین بار در تاریخ جراید و مطبوعات ایران پیش آمد، این بود که در (۱۳۰۰/۹/۲۲) طوفان س ۱، ش ۲۳، که گویا وزارت کشور، اخبار داخله را به اداره روزنامه طوفان فرستاد، فرّخی جای اخبار داخله را سفید گذاشت و در وسط آن نوشت: «اوضاع داخله - (استبداد) وزارت داخله خبر به طوفان نمی‌دهد! از قرار معلوم در سرتاسر مملکت خبری نیست!! (ارتجاع!)» و در شماره پس از آن (۱۳۰۰/۹/۲۳)، با درج رباعی ذیل و بیان اخبار شهرستان‌ها به صورت نظم طنزآمیز، تقریباً به این مضمون نوشت: وزارت داخله، اخبار داخله را سانسور کرده است ولی مخبر ما، خبر از غیب گرفته است که در شماره آینده، منتشر خواهد شد:

ای آن که تو را به دل نه شک است و نه ریب آگاه ز حال خضر و چوپان شعیب  
خوش باش که گر خبر به «طوفان» ندهند هر روز بگیرد خبر از مخبر غیب  
(دیوان: ۳۱۳-۳۱۴)

بعدها، جراید دیگر از فرّخی تقلید کردند و در زمان سانسور، قسمتی از روزنامه خود را سفید می‌گذاشتند؛ یعنی: این قسمت از روزنامه سانسور شده است.

#### ۵- بیان اخبار به صورت نظم:

گاهی فرّخی، اخبار شهرهای ایران را از طریق نظم بیان کرده است که در روزنامه‌های معاصر طوفان دیده نشده است؛ مانند:

یزد امن است و اهالیش دعاگو هستند بهر ابقای حکومت به هیاهو هستند  
پی تقدیم هدایا به تکاپو هستند راست گویی همه در روضه مینو هستند  
الغرض ازستم جور اثری نیست که نیست خبر این است که این جا خبری نیست که نیست  
(دیوان: ۲۸۰)

#### ۶- ریشه یابی و بررسی دقیق مسایل و موضوعات:

از دیگر ویژگی‌های طوفان فرّخی این بود که مسایل و مطالب اساسی کشور و جامعه را شناسایی و ریشه‌ابی می‌کرد و عمیقاً و بی‌پروا بدان می‌پرداخت؛ مثلاً گاه فرّخی به نویسندگان جراید سطحی نگر یا مرعوب و یا «نان به مزد» اعتراض می‌کرد که چرا تنها به احمدشاه می‌تازند و از خود کامگی‌ها و بی‌قانونی‌های رضاخان انتقادی نمی‌کنند و در این باره می‌سرود:

با سپرافکنندگان مرده، ما را کار نیست      جنگ ما همواره با گردنکشان زنده است  
(دیوان: ۹۹)

### ۷- زبان انتقادی و سبک رنایستی:

طوفان چون مراقبی تیزبین و دایمی، همه‌اوضاع سیاسی و اجتماعی مملکت را می‌یافت و به نقد می‌کشید و یا با صراحت و شجاعت فوق‌العاده، واقعیت‌ها را گزارش می‌داد و همه‌مستبدان و مرتجعان را زیر سؤال می‌برد. فرّخی برای شیوه انتقادی خود، اهمیت بسیاری قایل بوده است؛ همان‌گونه که در آغاز سومین سال انتشار طوفان در شهریور ۱۳۰۲، در سرمقاله‌ای تحت عنوان «احترام افکار عمومی»، ضمن اشاره به «ثابت قدمی»، بر ادامه جدی «سبک انتقادی» خود تأکید کرد و نوشت: «گویا «طوفان» ثابت قدم از بوته‌های امتحان چون زرناب، خالص بیرون آمده باشد. مردم در فضای اجتماعی ما، تصدیق می‌نمایند که واقعات هر روزه، تعطیل و مصایب طاقت‌فرسایی که به کارکنان این روزنامه وارد آمده، ذره‌ای در عقیده ثابت و فکر مستقیم ما خلل و تردیدی وارد نیاورده و این مرتبه نیز بی‌پرده می‌گوییم: که طوفان، همان است که بود...» (س ۳، ش ۲۵)

### ۸- شیوه میانه‌روی و جهت‌گیری منطقی:

طوفان هر چند سخت بر مواضع اصولی و سبک انتقادی خود، جهت استقرار آزادی، استقلال و عدالت تکیه می‌کرد و با استبداد و استعمار ستیز سازش ناپذیر داشت، از لحاظ جهت‌گیری‌های سیاسی و اجتماعی و رعایت موازین اخلاقی و معیارهای منطقی، تعادل و میانه‌روی را رعایت و از افراط و تفریط و لغزش‌های سیاسی و اخلاقی پرهیز می‌کرد؛ از این رو «طوفان» جهت‌گیری مترقی و در عین حال کم‌نوسانی را در میان مطبوعات هم‌زمانش نشان می‌داد و در آن از افراطی‌گری‌های «قرن بیستم» (روزنامه عشقی)، یا از خوش‌مزگی‌های کلی و گاه بی‌مقصد و کم‌زهر «نسیم شمال» (روزنامه اشرف‌الدین

گیلانی) یا از ملاحظات محافظه کارانه «نوبهار» (روزنامه ملک الشعراى بهار) چندان اثری نبود.» (سیانلو، ۱۳۶۹: ۴۳۳)

با این حال، برخوردارى از روحیه تسامح و تساهل ناشى از آزادى خواهى و عدالت طلبى فرّخى، همراه با سعه صدر و شکیبایی بسیار وی، موجب می شد که طوفان، نویسندگان و شاعران بزرگی را از هر نوع مسلک سیاسى و عقیده مذهبى به همکارى فرا خواند و به دور خود گرد آورد؛ بزرگانى چون بهار، عارف قزوینى، ادیب الممالک فراهانى، احمد کسروى، رسام ارژنگى و...؛ بنابراین، طوفان از اشخاص توانا و باذوقى بهره مى برد که مسایل و مطالب را به نثرى زیبا و رسا و با سبکی واقع بینانه بیان مى کردند و از این طریق، از لحاظ زبانی و ادبى نیز در گسترش نثر واقعگرا و شیوه های جدید ادبى، تأثیر بسیارى مى گذاشتند.

#### ۹- ویژگی حق گوئی، بی تعلقی و عدم وابستگی:

طوفان نه اهل ستایشگری و بت پرستی و تملق و چاپلوسی بود و نه اهل آدم فروشى و قلم به مزدى. با این حال، شیوه او چنان بود که اگر دیکتاتوری چون رضاخان، قدمی در راه اصلاحات برمی داشت، از او تمجید می کرد و حتی برای او جشن می گرفت و در عین حال، اگر آزادى خواه و یا دوستى هم مسلک، خیانت و خطایى مى کرد، با او مخالفت مى ورزید؛ بنابراین، طوفان به آواز بلند مى گفت: «مدّاح و متملّق نیست، فحّاش و... اشخاص نیست. طوفان متکّی به اجانب نیست. طوفان وظیفه خور دولت نیست. طوفان جز سعى و عمل نخواهد دید. طوفان وظیفه قلم حق نویس خود را نوشتن خدمت خادمین و خیانت خائنین مى داند و بس.» (س ۱، ش ۹)

از طرفى دیگر، طوفان از هر نوع سرسپردگى و وابستگی به اجانب پرهیز مى کرد و هر چند به لحاظ مسلکى، زمانى از حکومت بلشویکى شوروى طرفدارى کرد، با دشمنان استقلال ایران و وطن فروشان، سر ستیز داشت و مى گفت: «ایران مال ایرانی است؛ متعدّی، متعدّی است، چه روسى باشد، چه انگلیس، چه آلمان، چه عثمانى، ...» (همان)

#### ۱۰- ویژگی صراحت و صداقت:

یکی از ویژگی های بسیار قابل توجه فرّخى در روزنامه نگارى (که امروزه نیز خیلی اهمّیت دارد و همه جا از آن بحث مى شود)، شفاف بودن و بی پرده بودن با خوانندگان و

مخاطبان بود به طوری که هرگز، حقایق و واقعیت‌ها را حتی اگر به زیانش هم بود، کتمان نمی‌کرد و شجاعانه، بدون سیاسی کاری و سر هم‌بندی، به اشتباهات خود اعتراف می‌کرد؛ به عنوان مثال، فرّخی در قضیهٔ تحصّن خود در سفارت شوروی، بی‌پرده به مردم گفت: «عمر تحصّن سپری گردید و ما، بدبختانه در جزر و مدّ امواج هولناک این هنگامهٔ پر غوغا، به دست گیری و کمک هم‌وطنان عزیز خود، قابل نشدیم بلکه تنها توانستیم حیثیات فردی را تضمین و اعادهٔ زندگانی طوفان را تحکیم نماییم؛ از این رو، حجاب شرم را که نتیجهٔ عدم پیشرفت نوعی به شمار می‌رفت، به صورت ذیل به چهرهٔ خویش افکندیم.

(اعتراف به مغلوبیت)، جمعه ۲۶ اسد (مرداد) ۱۳۰۱

رفقای محترم، تعجب نکنید که من به مغلوبیت خود اقرار و اعتراف می‌نمایم زیرا این تنها من نیستم که مغلوب شده و در مقابل یک فشارهای طاقت فرسا، شکست می‌خورم چون قریباً در شماره‌های آتیهٔ طوفان، تا وقتی که مجدداً دچار کابوس توقیف نشده است، حقایقی را مکشوف خواهید دید؛ لهذا درخواست می‌نمایم که چند روزی تا انتشار طوفان، از ملاقات یک نفر شکست خورده و حیات سیاسی باخته، خودداری فرموده و بر من از قبول این تقاضا منّت گذارید. «مدیر طوفان» (س ۲، ش ۱)

### نتیجه

شهرت اصلی فرّخی یزدی در اشعار سیاسی است، اما او، با درک شرایط سیاسی، اجتماعی و بازگشت استبداد و از دست رفتن دستاوردهای مشروطیت، برای مبارزهٔ کاملاً جدّی و دایمی و به منظور روشنگری عمومی و پیام رسانی و دست یابی به فضای نسبتاً باز سیاسی، به تهران سفر می‌کند و پس از سال‌ها همکاری با روزنامه‌ها و محافل آزادی خواه و کسب تجربیات لازم، روزنامهٔ انتقادی و اصلاح طلب «طوفان» را تأسیس می‌نماید و بی‌پروا با هر نوع ستم و فساد و وطن‌فروشی، به ویژه استبداد رضا خانی و استعمار انگلیسی و ایادی آنها در می‌افتد.

دوران مبارزات قلمی فرّخی، شامل پنج مرحله (از سال ۱۲۹۰ - ۱۳۱۱ ش.) و دورهٔ انتشار «طوفان» شامل دو مرحله است اما اصلی‌ترین دورهٔ روزنامه‌نگاری «طوفان» ، مرحلهٔ اوّل آن (بین سال‌های ۱۳۰۰ - ۱۳۰۲ ش.) است که بیشتر، «رأس هرم قدرت» را آماج انتقادات شدید خود قرار می‌دهد و سر مقالات تند سیاسی، اجتماعی، تحلیلی و

انتقادی فرّخی در این دوره منتشر می شود در حالی که در مرحله دوم «طوفان»، هم سطح انتقادات از سران حکومت و دولت به سطح حاکمان محلی و رؤسای دولتی تغییر می کند و هم موضوعاتی، چون «اخبار مهمّه»، مسایل اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و درج آگاهی ها و اعلانات، جای مقالات سیاسی را می گیرد.

«طوفان» به لحاظ گرایش های خاصّ سیاسی و مسلکی، با مخاطرات و موانع بسیار رو به رو و بیش از پانزده بار، توقیف و تعطیل و بارها مدیران، تبعید و متحصّن می شود اما به دلیل پیش بینی های فرّخی و اخذ مجوز نشریات دیگر، به مدت هشت سال در حضر، سفر و هجرت و به صورت علنی و یا زیرزمینی، گاه به شیوه بسیار تند و گاه اندکی ملایم ادامه می یابد و مجموعاً در هشت صد و سی و هشت شماره منتشر می شود.

فرّخی به دلیل انگیزه های بسیار قوی ضدّ استبدادی و استعماری و گرایش به آرمان های آزادی خواهی، عدالت طلبی و وطن خواهی و ترکیب ادب، قلم، سیاست، اخلاق و مردم مداری، از جنبه های سیاسی، ادبی و روزنامه نگاری اهمّیت بسیار دارد و به لحاظ ابداعات و امتیازاتی مانند ریشه‌ابی مسایل و مشکلات اساسی، آمیختن شعر و نثر در روزنامه نگاری (به ویژه سرودن رباعیات و غزلیات فی البداهه و متناسب با سر مقالات)، بیان اخبار به صورت نظم، سفید گذاشتن جای اخبار سانسور شده، واقع بینی و شیوه اعتدال، زیرکی و دور اندیشی، جلب همکاری طیف گسترده و گوناگونی از نویسندگان، شاعران و آزادی خواهان و توجه به عامّه مردم و تأسیس «قرائت خانه طوفان» برای بی سوادان و نیز برخورداری از آموزه های اخلاقی و سیاسی، همچون ثبات قدم، بی تعلقی، روحیه بالای انتقاد پذیری و تحمل عقیده مخالف، وجدان کاری و ... در مقایسه با معاصرانش، ممتاز و قابل توجه است و پیام اصلی او به اهل قلم، ادب و سیاست در هر زمان، این است که:

از دفتر زمانه فتد نامش از قلم هر ملّتی که مردم صاحب قلم نداشت  
در پیشگاه اهل خرد نیست محترم هر کس که فکر جامعه را محترم نداشت

(دیوان: ۱۱۵)

### یادداشت ها:

۱- عمرها در طلب شاهد آزادی و خویش\* سر قدم ساخته تا ملک فنا تاخته ایم

بر سر نامه طوفان بنگر، تا دانسی بیرق سرخ مساوات برافراخته ایم  
(دیوان: ۲۰۵)

\* مگی: «آزادی و عدل»: ۱۵۸

۲- «آیینۀ افکار» (به جای طوفان توقیف شده)، س ۱، ش ۱ (۱۳۰۲/۱۰/۱۲).

۳- علی اکبر موسوی زاده زدی از آزادی خواهان بنام و از دوستان فرخی بود که به غیر از طوفان، مدیر مسئول روزنامه های پیکار و قیام هم بوده است و خود در سال (۱۳۰۰)، امتیاز روزنامه «زارع» را برای مردم یزد درخواست کرد. تحصیلات مقدماتی را در یزد گذراند و چندی در اصفهان، فقه و اصول فرا گرفت و از همان موقع، وارد مبارزات سیاسی شد در زمان داور، وارد دادگستری شد و به خدمت قضایی در آمد. همیشه دارای مشاغل مهم و مناصب عالی بود. (اقتباس از تاریخ جراید و مجلات ایران، باتلخیص، صدرهاشمی، ج ۳: ۸۸-۸۹) بعداً وزیر دادگستری و سپس، به مقام وزیر مشاور نایل شد. او از محاکمه گران مختاری و پزشک احمدی، قاتلان فرخی یزدی و ارانی و دیگر زندانیان سیاسی، در سال (۱۳۲۱.ش) بود. در سال های پایانی عمر که از سیاست به دور بود، برای استراحت به یزد آمد و پس از دو ماه درگذشت و در همان شهر به خاک سپرده شد. (اقتباس از، طوفان یزد، باتلخیص، ش ۳۲۶، آذر ۱۳۳۸: ۲۹ و نیز اطلاعات شخصی نویسندگان «شاعر لب دوخته»: ۲۴۸-۲۴۹)

۴- فرخی در نخستین شماره روزنامه خود، نوشته بود: «نام روزنامه خود را از روی وضع سیاست ایران برگزیده ام و آن را هنگامی تغییر خواهم داد که ایران گرمی را در آرامش و آسودگی بینم.» (ر.ک: سرمقاله «مقصود از طوفان چیست؟»، (سال ۱، ش ۱، ص ۱)

۵- سر لوحه «طوفان» شده گل رنگ، که در آن ما شرح دل خون شده بنگاشته بودیم  
(دیوان: ۲۱۳)

طوفان، س ۲، ش ۵۷ (۱۳۰۲/۱/۱۸) و: س ۷، ش ۱۵۶ (۱۲/۲۸)

۶- البته طوفان، مشترکین خارج از کشور هم داشته است.

۷- در صفحه سوم این شماره، این رباعی آمده است که:

هر خامه نگفت ناکسان را توصیف هر نامه نکرد خائنان را تعریف



آن خامه ز پافشاری ظلم شکست

آن نامه به دست ظالمین شد توقیف

(دیوان: ۳۷۳-۳۷۴)

و در صفحه آخر آن، نیز غزل زیر درج شده است:

آزادی است و مجلس و هر روزنامه را هر روز بی محاکمه توقیف می کنند

گویند لب ببند، چو بینی خطا ز ما راهی است ناصواب که تکلیف می کنند

(دیوان: ۱۵۳)

۸- «مادّه ۵۰: بقای توقیف و عدم توقیف روزنامه، باید در ۲۴ ساعت به اطلاع محکمه

قانونی (دیوان خانه محل) رسیده، حکم توقیف، سبب توقیف یا آزادی روزنامه و غیره،

کتباً اعلان می شود. (ر.ک: طوفان س ۲، ش ۴، ص ۱)

۹- مثلاً: سرمقاله «فجایع انگلیسی ها در بین النهرین»، در انتقاد از سیاست های تجاوزگرانه و

استعماری انگلیس...، که رباعی زیر در آغاز آن درج شده است:

در مرز عجم ذلت ایرانی بین در ملک عرب محو مسلمانی بین

دایم سر سروران اسلامی را پامال تجاوز بریتانی بیمن

(طوفان، س ۲، ش ۷، ص ۱)

یا: سرمقاله «اولین محاکمه مهم» که رباعی زیر در بالای آن آمده است:

عمریست که بر عاطفه مفتون شده ایم از عالم کبر و کینه بیرون شده ایم

زانو زده در برابر کرسی عدل تسلیم مقررات قانون شده ایم

(طوفان، س ۲، ش ۱۱، ص ۱)

### فهرست منابع

- ۱- آذری شهرضایی، رضا. (۱۳۸۱). «فرّخی یزدی، سرانجام یک رؤیای سیاسی». تهران: شیرازه.
- ۲- انصاری، نوش آفرین. (۱۳۶۳). «کتابخانه‌ها و قرائت‌خانه‌های ایران»، کتاب «نامواره دکتر محمود افشار»، ج ۳. تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
- ۳- براون، ادوارد گرانویل. (۱۳۳۵). «تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران در دوره مشروطیت». ترجمه محمد عباسی. تهران: معرفت.
- ۴- بهار، محمدتقی (ملک الشعرا). (۱۳۶۵). «مجله دانشکده». به کوشش محمود رفعت. تهران: علمی.

- ۵- پروین، ناصرالدین. (۱۳۷۹). **تاریخ روزنامه‌نگاری ایرانیان و دیگر پارسی نویسان** (ج ۲، بحران آزادی). تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- ۶- پیشه‌وری، جعفر. (بی تا). **یادداشت‌های زندان**. تهران: پسیان.
- ۷- جلالی پندری، یدالله. (بهار ۸۵). «شیوه نثر نویسی فرّخی یزدی». نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان، شماره ۱۹ (پیاپی ۱۶): ۶۱-۸۶.
- ۸- ج. جوان. (۱۳۷۳). «محمد فرّخی یزدی»، **محاكمه محاکمه گران (بخش دوم)**. به کوشش محمد گلبن و یوسف شریفی. تهران: نقره، طلایه
- ۹- دانش پژوه، محمد تقی. (۱۳۶۳). **فهرست میکرو فیلم‌های کتاب خانه مرکزی دانشگاه تهران**، ج ۳. تهران.
- ۱۰- ذاکر حسین، عبدالرحیم. (۱۳۷۷). **ادبیات سیاسی ایران در عصر مشروطیت** (۲ جلد). تهران: علم.
- ۱۱- \_\_\_\_\_. (۱۳۷۰). **مطبوعات سیاسی ایران در عصر مشروطیت**. چاپ دوم. تهران: دانشگاه تهران.
- ۱۲- روحانی، علیرضا. (۱۳۷۷). (اداره کل آرشیو اسناد و موزه دفتر رئیس جمهوری) «اسنادی درباره وضعیت مطبوعات در عصر رضاخان». گنجینه اسناد، سازمان اسناد ملی ایران، فصل نامه تحقیقات تاریخی، س ۸، دفتر اول و دوم، شماره‌های پیاپی ۲۹ و ۳۰، بهار و تابستان.
- ۱۳- سپانلو، محمد علی. (۱۳۷۵). **شهر شعر فرّخی**. تهران: نشر علمی.
- ۱۴- \_\_\_\_\_. (۱۳۶۹). **چهار شاعر آزادی**. تهران: نگاه.
- ۱۵- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۸۰). **ادوار شعر فارسی**. ج ۱ (ویرایش دوم). تهران: سخن.
- ۱۶- \_\_\_\_\_. (۱۳۶۳). **از انقلاب تا انقلاب، (ادبیات ایران از انقلاب مشروطیت تا انقلاب اسلامی)**، «ادبیات نوین ایران» ل. الون ساتن، ترجمه و تدوین یعقوب آژند. تهران: امیر کبیر.

- ۱۷- صادق زاده، محمود. (۱۳۸۳). **نقد و تحلیل روزنامه ها و سرمقاله های طوفان فرّخی یزدی** (رساله چاپ نشده دکتری، واحد علوم و تحقیقات تهران).
- ۱۸- \_\_\_\_\_. (پاییز ۱۳۸۴). **تحلیل محتوایی و طبقه بندی موضوعی سرمقالات طوفان فرّخی یزدی**. فصل نامه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی تهران جنوب، دفتر اول: ۶۵-۸۸.
- ۱۹- \_\_\_\_\_. (پاییز و زمستان ۱۳۸۵). **بررسی سبک نثر مقالات فرّخی یزدی**. کاوش نامه، فصل نامه زبان و ادب فارسی، دانشگاه یزد، ۷، ش ۴۹: ۱۳-۷۰.
- ۲۰- صدرهاشمی، محمد. (۱۳۶۳). **تاریخ جراید و مجلات ایران** (۴ جلد). چ ۲. اصفهان: کمال.
- ۲۱- عاقلی، باقر. (۱۳۷۱). **تیمور تاش در صحنه سیاست ایران**. تهران: جاویدان.
- ۲۲- \_\_\_\_\_. (۱۳۷۲). **روز شمار تاریخ ایران**، ج ۱. تهران: نشر گفتار.
- ۲۳- فرّخی یزدی، محمد (۱۳۶۹). **دیوان فرّخی یزدی**. به اهتمام حسین مکی. چاپ نهم. تهران: امیر کبیر.
- ۲۴- \_\_\_\_\_. (۱۳۸۰). **(مجموعه اشعار)**. تدوین: مهدی اخوت و م. ع. سپانلو. تهران: نگاه.
- ۲۵- \_\_\_\_\_. (۱۳۸۰). **دیوان فرّخی یزدی**. (همراه با اشعار نویافته، با مقدمه دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن). به کوشش حسین مسرت. تهران: نشر قطره.
- ۲۶- \_\_\_\_\_. **آیین افکار** (روزنامه)، س ۱، ش ۱ (۱۳۰۲/۱۰/۱۲) به جای «طوفان». س ۳، ش ۳۷.
- ۲۷- \_\_\_\_\_. **پیکار (روزنامه)**. س ۱، ش ۱ (۱۳۰۱/۹/۲)، به جای «طوفان»، س ۲، ش ۳۱.
- ۲۸- \_\_\_\_\_. **ستاره شرق (روزنامه)**. س ۱، ش ۱ (۱۳۰۰/۹/۱۶) به جای «طوفان»، س ۱، ش ۲۲.
- ۲۹- \_\_\_\_\_. **روزنامه «طوفان»**. س ۱، ش ۱ (۱۳۰۰/۶/۲) تا س ۸ (بهمن ۱۳۰۷)، (دوره کامل).
- ۳۰- \_\_\_\_\_. **طوفان هفتگی**. س ۱، ش ۱ (۱۳۰۶/۱۱/۲۴) تا س ۲، ش ۲۳ (۱۳۰۷/۱۱/۲۳) (دوره کامل).
- ۳۱- قاسمی، سیدفرید. (۱۳۷۹). **تاریخ روزنامه نگاری ایران** (مجموعه مقالات)، (۲ جلد).

- ۳۲- قاضی زاده، علی اکبر. (۱۳۷۹). **جان باختگان روزنامه نگار**، (محمد فرّخی یزدی). تهران: انتشارات جامعه ایرانیان.
- ۳۳- کهن، گوئل. (۱۳۶۲). **تاریخ سانسور در مطبوعات ایران**. تهران: آگاه.
- ۳۴- گلین، محمد. (۱۳۵۱). **بهار و ادب فارسی** (۲ جلد)، (مجموعه یک صد مقاله از ملک الشعرا بهار). با مقدمه دکتر غلامحسین یوسفی. تهران: شرکت سهامی کتاب های جیبی.
- ۳۵- محمدی فر، محمدرضا. (۱۳۸۰). **آشنایی با مدرک شناسی** (مجموعه اطلاع رسانی). تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۳۶- مسرت، حسین. (۱۳۷۸). **کتاب شناسی فرّخی یزدی**. یزد: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- ۳۷- ۳۸- ——— و محمدی، غلامرضا (۱۳۷۶). **شاعر لب دوخته**. یزد: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- ۳۸- محیط طباطبایی. (۱۳۶۶). **تاریخ تحلیلی مطبوعات ایران**. تهران: بعثت.
- ۳۹- معتمدنژاد، کاظم. (۲۵۳۶). **روش تحقیق در محتوی مطبوعات**، (با کلیاتی درباره تجزیه و تحلیل محتوای ارتباطات جمعی). تهران: دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- ۴۰- مکی، حسین. (۱۳۵۹). **تاریخ بیست ساله**. (۸ جلد). تهران: امیر کبیر.
- ۴۱- مولانا، حمید. (بی تا). **سیر ارتباطات اجتماعی**. تهران: دانشکده ارتباطات اجتماعی.
- ۴۲- میرزاده عشقی، محمدرضا. (۱۳۷۵). **کلیات مصوّر به** کوشش: علی اکبر مشیر سلیمی. چاپ هفتم. تهران: امیر کبیر.
- ۴۳- نسیم شمال، (سید اشرف الدّین حسینی). (بی تا). **کلیات**. تهران: رجی.